

## مؤلفه‌های محتوایی آموزش دینی کودکان بر اساس احادیث

محمد صالح جوهری\*

محمد حسن ذاکری\*\*

### چکیده

محتوای آموزش دینی کودکان یکی از ضروری‌ترین مؤلفه‌های تربیت اسلامی است، اما استخراج نظاممند مؤلفه‌های محتوایی آن از منابع اصیل دینی، به ویژه احادیث معصومان (ع)، نیازمند بررسی دقیق علمی است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین مؤلفه‌های محتوایی آموزش دینی کودکان بر اساس سیره ی قولی و عملی معصومان (ع) انجام شده است. روش علمی این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای انجام شده است. تحلیل روایات نشان داد که معصومان (ع) آموزش کودکان را از ۶ تا ۷ سالگی آغاز میکردند و مؤلفه‌های محتوایی آموزشی‌ای را که دنبال مینمودند عبارت بودند از: ۱. آموزش توحید و خداشناسی (با محوریت مفروض گرفتن وجود خدا، ادله روشن، معرفی صفات الهی و ایجاد ارتباط عاطفی با خدا)؛ ۲. آموزش محبت اهلیت (ع) (از طریق بیان فضایل، بزرگداشت یاد، زیارت قبور، استفاده از هنر و هدیه)؛ ۳. آموزش خواندن و نوشتن به عنوان مهارت پایه؛ ۴. آموزش قرآن (به عنوان حق فرزند بر والدین)؛ ۵. آموزش احکام و احادیث (پیش از آلوده شدن ذهن به عقاید انحرافی)؛ ۶. آموزش حکمت و پندهای اخلاقی (با تأکید بر تدریج و تناسب سنی)؛ ۷. آموزش آداب اجتماعی و فردی (به هنگام رویارویی با عمل)؛ ۸. آموزش نماز (از هفت سالگی با سهل گیری)؛ ۹. آموزش

\* دانش پژوه دکتری علوم حدیث، جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)، msjohari@gmail.com

\*\* دانش پژوه دکتری علوم حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، mhzakeri30@gmail.com

روژه (از هفت تا نه سالگی با تمرین تدریجی). اصل تدریج، تسهیل، الگودهی عملی و توجه به تفاوت‌های فردی در تمام این مؤلفه‌ها جاری بود.

**واژگان کلیدی:** محتوای آموزش دینی کودکان، مؤلفه‌های محتوایی، احادیث معصومان، تربیت اسلامی، سیره تربیتی.

#### مقدمه

آموزش دینی کودکان، یکی از بنیادی‌ترین مسائل تربیتی در جوامع اسلامی به شمار می‌رود، چراکه زیربنای شکل‌گیری هویت دینی و اخلاقی نسل آینده را تشکیل می‌دهد. در این میان، سیره و احادیث معصومان (ع) به عنوان منابع اصیل و بی‌بدیل، می‌تواند چارچوبی روشن و عملی برای والدین و مربیان فراهم آورد تا کودکان را در مسیر صحیح خداشناسی، محبت اهل‌بیت، عمل به احکام و کسب فضایل اخلاقی هدایت کنند. اهمیتی که اسلام برای علم‌آموزی قائل است، از نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) که به خواندن و آموختن امر می‌کند، به خوبی آشکار می‌شود. معصومان (ع) در گفتار و رفتار خود، دوران کودکی و نوجوانی را به دلیل آمادگی ذهنی و روحی ویژه، حساسترین و مؤثرترین دوره برای آموزش معرفی کرده‌اند؛ چنانکه امام علی (ع) قلب کودک را به زمین خالی و آماده‌ای تشبیه می‌فرماید که هر بذری در آن پاشیده شود، خواهد رویید. بر این اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی احادیث معصومان (ع) و با تکیه بر منابع معتبر روایی، مؤلفه‌های اصلی محتوای آموزش دینی کودکان را استخراج و تحلیل نماید. از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به آموزش توحید، محبت اهل‌بیت، قرآن، خواندن و نوشتن، احکام، حکمت، آداب، نماز و روزه اشاره کرد. امید است این تحقیق گامی هرچند کوچک در جهت بهبود روش‌های آموزش دینی فرزندان و آشنایی بیشتر مربیان با سیره غنی معصومان (ع) باشد.

## گفتار اول: اهمیت و ضرورت آموزش کودکان

اهمیت علم در اسلام بر کسی پوشیده نیست، به گونه ای که اگر شخصی تنها آوازه ای از اسلام را شنیده باشد، قدر و منزلت بسیاری والای علم و عالم را تصدیق خواهد کرد زیرا خدای دانا در اولین ارتباط کلامی خود با پیامبر گرامی اسلام (ص)، به خواندن امر می کند و خود را به صفت معلمی می ستاید که به انسان آنچه را نمی دانست، آموخت: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق / ۱-۵) بخوان به نام پروردگاری که تو را آفرید. آن که تو را از لخته ای خون آفرید. بخوان و پروردگار تو کریم ترین کریمان است کسی که به وسیله قلم آموخت. آنچه را انسان نمی دانست به او آموخت.

دانش و دانش آموزی در اسلام آن قدر اهمیت دارد که خداوند در قرآن به قلم سوگند یاد کرده است: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛ (قلم / ۱) سوگند به قلم و آنچه می نویسد» در آیهی دیگر برتری علم و عالم را نزد وجدان انسان ها ثابت می داند و می پرسد: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (زمر / ۹)؛ آیا کسانی که می دانند، با کسی که نمی دانند مساوی اند؟»

پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت بر اهمیت علم و علم آموزی تأکید و مردم را به آن تشویق می کرد:

«و خرج فاذا في المسجد مجلسان مجلس يتفقهن و مجلس يدعون الله و يسالونه فقال: كلا المجلسين الى خبر اما هولاء فيدعون الله و اما هولاء فيتعلمون و يفقهون الجاهل هولاء افضل بالتعليم ارسلت ثم قعد معهم؛ او روزی وارد مسجد شد و با دو حلقه جمعیت مواجه شد: دسته ای به بحث علمی پرداخته و دسته ای دیگر به عبادت مشغول بودند. فرمود: هر دو گروه بر صواب اند: اما من برای تعلیم فرستاده شده ام و خود به گروه اول پیوست.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱ ص ۲۰۶)

بنابراین اهمیت علم و آموزش در اسلام روشن است؛ اما آنچه مورد نظر ماست اهمیت آموزش در دوران کودکی و نوجوانی است دورانی که به گفته امام علی (ع) صفحه ذهن

کودک مانند زمین خالی و آماده ای است که هر بذری در آن بکارند به بار خواهد نشست. «انما قلب الحدث كالعرض الخاليه ما القى فيه من شىء قبلته (ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ۳ ص ۴۰)؛ همانا قلب کودک مانند زمین خالی است که هر بذری در آن بکارند می‌روید». آموزش دوران کودکی و نوجوانی به اندازه‌ای است که امام علی (ع) فرمود: «العلم من الصغر كالنقش في الحجر (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱ ص ۲۲۴)؛ تاثیر علم آموختن در کودکی مانند نقشی است که بر روی سنگ کنده شود.»

نقشی که بر روی سنگ کنده شود، زدوده نخواهد شد، نیز علمی که در کودکی آموخته شود، از یاد نخواهد رفت و ماندگار خواهد بود. در این زمینه پیامبر علاوه بر سفارش‌های بسیاری که به مسلمانان کرده‌اند، خود نیز به آموزش اصحاب و فرزندان آن‌ها اهتمام داشتند. حضرت در حالی به رسالت مبعوث شد که در سراسر جزیره العرب تنها هفده تن دارای سواد خواندن و نوشتن بودند؛ اما چنان به دانش و آموزش تشویق کرد که در مدت کوتاهی بیش‌تر مسلمانان با سواد شدند و به تعلیم و تعلم پرداختند، به طوری که بزرگ‌ترین دانشمندان آن عصر حتی در علوم ریاضی و شیمی از میان مسلمانان برخاستند. این به سبب اهمیاتی بود که اسلام و پیامبر (ص) به امر تعلیم و تربیت به ویژه تعلیم و تربیت کودکان داشتند، به گونه‌ای که حتی از اسرای جنگی در این زمینه بهره می‌برد.

مقریزی نقل می‌کند: «قال المقریزی و كان في الاسرى من يكتب و لم يكن في الانصار من يحسن الكتابة و كان منهم من لا مال له فيقبل منهم ان يعلم عشرة من الغلمان و يخلي سبيله فيؤمّن تعلم زيد بن ثابت الكتاب في جماعة من غلمان الانصار؛ در میان اسرای جنگ بدر کسانی باسواد بودند، ولی در میان انصار کسی که سواد کاملی داشته باشد نبود، برخی از این اسرا مال و منالی نداشتند که در برابر آزادی خود بپردازند. پیامبر (ص) فرمود: این عده از اسرا می‌توانند در برابر آزادی خود به ده نفر از کودکان انصار سواد بیاموزند. زيد بن ثابت از کسانی بود که در میان این کودکان، از اسرا سواد آموخت». (مرتضی عاملی، الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص) ج ۳ ص ۲۵۷)

امام علی (ع) نیز به تعلیم و تربیت فرزندان اهتمام داشت. وی در وصیت خود به امام حسن (ع) می‌فرماید:

«فبادرتک بالادب قبل ان یقسو قلبک و یشغل لبک» (ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳ ص ۴۰)؛ به تادیب و تربیت تو مبادرت کردم قبل از این که قلبت سخت و فکرت مشغول شود. روشن است تادیب و تربیت بدون تعلیم و آموزش نخواهد بود. چنان که امام در ادامه وصیت می‌فرماید:

«ابتدئتک بعلم کتاب الله و تأویله و شرائع الاحکام» (همان)؛ ابتدا کتاب خدا، قرآن و تأویل آن و احکام دین را به تو آموختم.

در روایتی دیگر آمده است که:

امام حسن و حسین (ع) به تعلیم خط می‌پرداختند و خط خود را برای ارزیابی نزد مادر می‌آوردند. حضرت فاطمه (س) گردن بند خود را پاره می‌کند و می‌فرماید: هر کدام دانه‌های بیش‌تری از آن را جمع کردید، خطتان بهتر است تا این که هر دو به تعداد مساوی جمع می‌کنند. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۰۹)

امام حسن (ع) فرزندان و خواهرزادگان خود را جمع می‌کرد و به آنان می‌فرمود:

«انکم صغار قوم و یوشک ان تکنونوا اکبار قوم آخرین فتعلموا العلم فمن یستطع منکم ان یحفظه فلیکته و لیضعه فی بینه» (همان، ج ۲ ص ۱۵۲)؛ شما اکنون نونهالان ما هستید، ولی در آینده‌ای نزدیک بزرگان قومی دیگر خواهید شد. پس علم بیاموزید و هر کدام از شما توانستید درس را حفظ کنید، آن را بنویسید و به خانه ببرید.

بنابراین در سیره‌ی معصومان (ع) دوران کودکی و نوجوانی، دوران آموزش محسوب می‌شود و آموزش در این دوران را از وظایف والدین می‌دانند و روایات آن‌ها شاهد دیگری بر این مدعاست.

رسول اکرم (ص) فرمود: «الغلام یلعب سبع سنین و یتعلم الکتابه سبع سنین و یتعلم الحلال و الحرام سبع سنین» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۴)؛ کودک هفت

سال اول زندگی را باید به بازی بگذرانند و هفت سال بعد را به آموزش سواد پردازد و هفت سال سوم را به آموزش احکام.

امام علی (ع) فرمود: «يُرْخَى الصَّبِيُّ سَبْعاً وَيُؤَدَّبُ سَبْعاً» (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۴)؛ کودک باید تا هفت سالگی آزاد باشد و هفت سال بعد به تعلیم و تربیت پردازد. در برخی روایات شش سال آمده است. (همان، ص ۲۳۳) که این اختلاف را می‌توان بر اختلاف آمادگی افراد معنا کرد، زیرا افراد دارای استعداد متفاوتی هستند، برخی از کودکان ممکن است کمی زودتر به سن آموزش برسند و برخی کمی دیرتر.

نکته‌ای که از این روایات می‌توان استفاده کرد، این است که آموزش کودکان را باید بر حسب تفاوت استعداد، از شش یا هفت سالگی شروع کرد و شروع آموزش، قبل از این سال‌ها مناسب نیست و شاید مضرات آن بیش از فوایدش باشد. در سنین قبل از این، کودک باید آزاد باشد و به بازی پردازد. البته اگر چه از طریق بازی به صورت غیر مستقیم آموزش می‌بیند، ولی این غیر از آموزش رسمی است که برای کودک مسولیت می‌آورد و باید تکالیفی را انجام دهد.

نکته دیگری که از این روایات به قرینه روایات دیگر بر می‌آید، این است که شش یا هفت سال تا هجده یا ۲۱ سالگی، سال‌هایی است که برای آموزش و تربیت بسیار مناسب است، زیرا بعد از این شاید آموزش‌ها و تربیت‌ها تأثیر چندانی نداشته باشد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

«احمل صبيك حتى يأتي عليه ست سنين ثم ادبه في الكتاب ست سنين ثم ضمّه اليك سبع سنين فادبه بادبك فان قبل و الا فخلّ عنه» (همان)؛ فرزندت را آزاد بگذار تا شش ساله شود، سپس تا شش سال به او خواندن و نوشتن بیاموز و پس از آن هفت سال به تربیت او پرداز. اگر تربیت پذیرفت، چه خوب و گرنه تربیت او را واگذار.

شاید مراد از وا گذاشتن این باشد که دیگر پدر در مورد تربیت وظیفه خود را انجام داده است و معذور خواهد بود. چنان که همین مطلب در روایات دیگری از پیامبر آمده است. (همان، ۲۳۴)

آموزش در این دوران به اندازه ای اهمیت دارد که امام علی (ع) می‌فرماید: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶ ص ۵۸۴)؛ فرزندان خود را به فراگیری علم امر کنید.

امام پای امر و اجبار برای آموزش را به میان کشیده است، زیرا اگر در این دوران، کودکان به آموزش نپردازند، بسیار زیان خواهند دید؛ بنابراین، وظیفه‌ی والدین است در دوره دوم کودکی و در نوجوانی به آموزش کودکان بپردازند و آموزش بعد از این دوران به عهده‌ی فرزند است.

### گفتار دوم: مؤلفه‌های محتوایی آموزش دینی کودکان

#### ۱. آموزش توحید و خداشناسی

شناخت خدا برای کودک امر مهمی است. برای آموزش خداشناسی به کودکان روش‌های متعددی وجود دارد که می‌توان از آنها در راه معرفی صحیح خداوند و صفات او به کودکان بهره گرفت. در سیره تربیتی معصومین (ع) نیز چهار کلید اصلی مشاهده می‌شود که عبارتند از:

مفروض گرفتن اصل وجود خدا؛ استفاده از دلایل روشن و قابل فهم؛ تاکید بر معرفی خدا از راه صفات؛ ایجاد ارتباط با خدا و حفظ آن (که آثاری چون تقویت، رشد و ارتقای ایمان به خدا و انس با خدا و محبت او را در پی دارد). (داودی، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ج ۲، ص ۴۶-۴۷)

از توصیه‌های مهم اسلام، اهتمام به عبادت (بقره، ۲۳/ و نساء/ ۱۰۳) و سفارش اعضای خانواده به آن است. در مرحله اول، فرد باید خود به رفتارهای عبادی اهتمام ورزد تا الگویی مناسب برای سایر اعضا باشد. در متون دینی آمده است که فرزندان خود را در هفت سالگی به نماز سفارش کنید. (کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۰۹) این سفارش می‌تواند به شیوه‌های گوناگونی اجرا شود که برخی از آنها مانند روش الگوگیری، تأثیرگذارتر خواهد بود. (دستی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۷۳) بر این اساس و در راستای معنوی سازی زندگی روزمره خود، اوقات ثابتی را به عبادت خانوادگی اختصاص دهید. از طریق عبادت دسته جمعی

میتوانید فرزندان را با درک خود از خدا آشنا ساخته، او را در ارزش ها، امیدها و ناامیدی ها، سؤال ها و پاسخ ها و توانایی های معنوی خود مشارکت دهید. در این اوقات می توانید تکیه گاه های معنوی خود و منابعی را که به شما قدرت می دهند به او نشان دهید.

می توانید در محیط خانواده به صورت جماعت، نماز بخوانید. اگر فرصت یا امکان برپایی نماز جماعت روزانه را در منزل ندارید، لااقل می توانید در اوقاتی مثل سر سفره غذا، به شکرگزاری دسته جمعی بپردازید. شما می توانید مراسم و سالگردهایی را که به مناسبت های مختلف برگزار می کنید، به ایامی برای تفکر و اندیشیدن تبدیل کنید.

عبادت یا فعالیت معنوی دسته جمعی اعضای یک خانواده، تأثیر پایداری در رشد معنوی کودکان دارد. این نوع فعالیت ها موجب می شوند تا محیط خانه به مکانی معنوی و مقدس تبدیل شود. (ماهنامه پیام زن، شماره ۲۴۴)

## ۲. آموزش محبت اهل بیت

یکی از راه های رسیدن به این هدف مهم که خود مورد تأکید است، آشنا کردن فرزندان با اهل بیت (علیهم السلام) و ایجاد محبت آنان است که با آشنایی از فنون و مهارت هایی که بیان خواهد شد و عملی نمودن آنها می توانیم موجبات سعادت و خوشبختی فرزندانمان را فراهم نماییم.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می فرمایند:

«أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ، حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶) فرزندان تان را با محبت من و محبت خاندان من و محبت قرآن تربیت و تادیب کنید.»

## ۱-۲. اهمیت و ضرورت محبت اهل بیت علیهم السلام

ضرورت دوستی خاندان رسالت عشق به اهل بیت علیهم السلام زمینه ساز عشق به خداوند است و دوست داشتن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مهر ورزیدن به ارزش های والای الهی می باشد.

رسیدن به قله رفیع کمالات معنوی و انسانی بدون دوستی اولیاء الهی ممکن نیست و پذیرش اعمال و زحمات یک مسلمان در گرو محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام می باشد. امام علی علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند: «لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن اربع ... و عن حبنا اهل البيت» (مفید، امالی، ص ۳۵۳)

در روز قیامت هیچ بنده ای قدم بر نمی دارد مگر اینکه از چهار چیز سؤال می شود ... [که چهارمین سؤال] از دوستی ما اهل بیت خواهد بود.

براین اساس تقرب به خداوند و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت با عشق و دوستی آل پیامبر صلی الله علیه و آله عجین شده است.

مهرورزی به دیگران یک نیاز فطری است فطری است، اما چه زیباست که انسان در بذل محبت، خوبان و برترین ها را برگزیند و اهل بیت علیهم السلام مظهر خوبی ها و کمالاتند، چنانکه علی علیه السلام فرمود:

«هیچ کس را در کمالات و صفات زیبای انسانی با آل محمد صلی الله علیه و آله نمی شود مقایسه کرد، دیگران که پرورده نعمت هدایت اهل بیت پیامبرند، هیچ گاه با آنان برابر نخواهند بود.»

عواطف پاک و اظهار عشق و علاقه نسبت به معصومین علیهم السلام و خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله عامل ثبات قدم در راه دین و دینداری است و عشق و محبت خالصانه به اهل بیت علیهم السلام انسان را در برابر گناه و فساد بیمه می کند.

بهترین نوع ارتباط با پیشوایان معصوم علیهم السلام همان محبت و مودت می باشد که یک رابطه قلبی و درونی است و خداوند متعال هم در قرآن کریم به چنین ارتباطی دعوت کرده و می فرماید «قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة فی القربی» (شوری / ۲۳) «بگو: من بر انجام امر رسالت، از شما مزدی نمی خواهم مگر دوستی و محبت درباره نزدیکانم.»

در زیارت امین الله نیز می خوانیم: «خداوندا! دل و جان مرا شیفته اولیای برگزیده ات قرار ده و مرا در زمین و آسمانت محبوب گردان.» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۵)

برخی فرزندان در زمینه های مختلفی از قبیل قصه گوئی، فیلمنامه نویسی، سرودن شعر، کاردستی و... مهارت های خوبی دارند که می توان با تقویت و جهت دهی آن به سمت محتواهای مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) آنان را نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) علاقمندتر کرد. همچنان که تشویق به سرودن شعر در رثای اهل بیت (علیهم السلام) یکی از روش های تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) بوده است

هر قدر محبت و دلبستگی و ارتباط قلبی با ائمه اطهار علیهم السلام بیشتر باشد، تبعیت و همرنگی و همراهی و همدلی با آن ها نیز بیشتر خواهد شد. نقش عشق و محبت در ایجاد همسانی، همفکری و همراهی و هم سوئی بسیار مهم است و مردم پیوسته از چهره های محبوبشان الگو و سرمشق می گیرند. ایمان عاطفی به رهبری حتی در اطاعت سیاسی و اجتماعی هم تاثیر می گذارد و زمینه ساز تبعیتی عاشقانه می شود نه یک اطاعت رسمی و تشریفاتی. در این صورت میان «شناخت»، «عشق» و «پیروی» رابطه ای مستحکم به وجود می آید، زیرا معرفت محبت می آورد و محبت «ولایت و تبعیت.» (محدثی، عشق برتر، ص ۱۴ و ۱۵)

عشق به اهل بیت علیهم السلام در دیدگاه علی علیه السلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است و آن حضرت در فرصت های مختلف، درجات، زمینه ها، نشانه ها، آثار و برکات، آفات و موانع و بالاخره شیوه های ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام را بیان فرموده است. در این جا به طور فشرده به گزیده ای از آن گفتارها می پردازیم.

امام علی علیه السلام در رابطه با درجات گوناگون دلباختگان اهل بیت علیهم السلام و نتیجه آن می فرماید: «من احبنا بقلبه و اعاننا بلسانه و قاتل معنا بیده فهو معنا فی الجنة فی درجتنا و من احبنا بقلبه و اعاننا بلسانه و لم یقاتل معنا اعداءنا فهو اسفل من ذلک بدرجة و من احبنا بقلبه و لم یعنا بلسانه و لا بیده فهو فی الجنة» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص

۱۰۷) هر کس ما را در دل دوست داشته باشد و با زبانش یاری کند و با دستش به دفاع از ما برخیزد (یعنی با تمام وجود دلباخته ما باشد)، در بهشت هم درجه و همنشین ما خواهد بود و هر که ما را با دل دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنانمان نجنگد، یک درجه پایین تر خواهد بود و هر که با قلبش ما را دوست دارد ولی با زبان و دست به یاری ما نشتابد، در بهشت خواهد بود.»

## ۲-۲. بیان فضایل اهل بیت (علیهم السلام)

زمانی که فرزندان با فضایل اهل بیت (علیهم السلام) آشنا می‌شوند علاوه بر این‌که شناخت عمیق‌تری از آنان پیدا می‌کنند محبت آنان نیز در قلب‌شان ریشه می‌دواند و رشد می‌کند و همین امر زمینه را برای پذیرش امامت آنان نیز فراهم می‌آورد. اثر تربیتی دیگری که می‌تواند داشته باشد الگوسازی است، وقتی مخاطب با افرادی آشنا می‌شود که بسیاری از صفات عالی انسانی در آنها جمع شده آن افراد را به عنوان الگوی زندگی خود انتخاب می‌کند و سعی می‌کند در زندگی نیز در حد توان مانند آن افراد زندگی کند. البته برای بیان فضایل اهل بیت می‌توان با توجه به سن و میزان پذیرش فرزندان، از قالب‌های شعر، قصه و حکایت استفاده نمود.

## ۲-۳. بزرگداشت یاد اهل بیت (علیهم السلام)

برگزاری مراسم اهل بیت (علیهم السلام) و تشویق و توصیه به برپایی این مراسم‌ها یکی از سیره‌های تربیتی خود اهل بیت (علیهم السلام) نیز بوده است. «هیچ کس را در کمالات و صفات زیبای انسانی با آل محمد صلی الله علیه و آله نمی‌شود مقایسه کرد، دیگران که پرورده نعمت هدایت اهل بیت پیامبرند، هیچ گاه با آنان برابر نخواهند بود»

در روایتی امام صادق (علیه السلام) به فضیل می‌فرماید: «می‌نشینید و حدیث می‌گویید؟ گفت: آری فدایت شوم. امام (علیه السلام) فرمود: آن مجالس را دوست دارم ای فضیل [نام و یاد] ما را زنده نگه دارید خدا رحمت کند آن را که [نام و یاد] ما را زنده نگه می‌دارد. ای

فضیل آن که ما را یاد کند یا ما را نزد او یاد کنند و به اندازه بال مگسی اشک از چشمانش جاری شود خدا گناهانش را می بخشد.» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲)

زنده نگه داشتن یاد اهل بیت (علیهم السلام) بویژه برپایی مراسم سوگواری امام حسین (علیه السلام) و یا شرکت دادن فرزندان در این مجالس علاوه بر فراهم نمودن زمینه برای آشنایی با معارف دینی و آشنایی با اهداف و راه و رسم زندگی آنها، موجب برقراری ارتباط معنوی فرزندان با اهل بیت (علیهم السلام) خواهد شد.

#### ۲-۴. زیارت قبور اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از جذابترین مسافرت‌ها که علاوه بر ارزش معنوی، دارای لذت مادی نیز می‌باشد، مسافرت برای زیارت قبور ائمه (علیهم السلام) است. البته با آشنایی و قرائت زیارت‌نامه‌های وارد شده از جانب ائمه (علیهم السلام) از قبیل زیارت امین الله و جامعه کبیره و... علاوه بر آشنایی با ویژگی‌های ائمه (علیهم السلام) و اهداف مهم آنان، موجب ایجاد محبت و علاقه به آنان نیز خواهد شد.

#### ۲-۵. استفاده از هنر

برخی فرزندان در زمینه‌های مختلفی از قبیل قصه‌گویی، فیلمنامه نویسی، سرودن شعر، کاردستی و... مهارت‌های خوبی دارند که می‌توان با تقویت و جهت‌دهی آن به سمت محتواهای مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) آنان را نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) علاقمندتر کرد. همچنان‌که تشویق به سرودن شعر در رثای اهل بیت (علیهم السلام) یکی از روش‌های تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) بوده است.

در روایتی امام رضا (علیه السلام) به دعبل شاعر می‌گوید:

«در رثای حسین (علیه السلام) شعر بگو که تو یاور و مداح مایی، تا زنده‌ای در یاری ما تا آن‌جا که می‌توانی کوتاهی نکن.» (مجلسی، بحارالانوار ج ۴۵ ص ۲۵۷)

#### ۲-۶. هدیه دادن

یکی دیگر از فنونی که می‌تواند زمینه آشنایی فرزندان و برقراری رابطه آنان با اهل بیت (علیهم السلام) را فراهم نماید؛ استفاده از هدایایی از قبیل کتاب و نرم‌افزار و... است که به

نوعی در ارتباط با اهل بیت (علیهم السلام) باشد؛ و نیز هدیه دادن و خرج نمودن در سالروز ولادت ائمه و معصومان علیهم السلام برای فرزندان و خانواده می باشد.

### ۳. آموزش خواندن و نوشتن (مهارت پایه)

اصولا مقدمه هر نوع آموزش به کودک، آموزش خواندن و نوشتن است، زیرا کسی که سواد خواندن و نوشتن نداشته باشد اگر نگوئیم آموزش برای او میسر نیست، دست کم بسیار دشوار است، البته آموزش حرفه ها و صنایع بدون آموزش اولیه ممکن است.

معصومان (ع) در آموزش فرزندان و کودکان ابتدا به آموزش خواندن و نوشتن و به اصطلاح کتابت می پرداختند. سیره هایی که قبلا درباره در مکتب خانه ها ذکر شد، بیانگر توجه آن ها به این آموزش است، زیرا برخلاف مکتب خانه های امروزی که به آموزش قرآن اختصاص دارند، در گذشته و صدر اسلام در مکتب خانه ها، تعلیمات مقدماتی، یعنی خواندن و نوشتن و حساب ساده و اندکی شعر و تاریخ و قرآن و حدیث به صورت ساده آموزش داده می شد. (داغ، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۲۸)

استفاده پیامبر (ص) از اسرا برای آموزش کودکان و گماشتن عبد الله بن عاص در مسجد مدینه برای آموزش سواد و خط (ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷) بیانگر سیره ی حضرت در توجه به آموزش و سواد در دوران کودکی است.

علاوه بر آموزش خواندن و نوشتن، آموزش مختصر علوم مورد نیاز افراد جامعه نیز جزء برنامه های آموزش در مکتب خانه ها بود. سفارش امام علی (ع) به کودکان درباره ی آموزش علم حاکی از این است که تنها آموزش خواندن و نوشتن مراد نبوده است. امام علی (ع) می فرماید: «تعلموا العلم صغارا تسودو به کبارا» (همان)؛ در کودکی علم بیاموزید تا در بزرگی آقایی و سیادت کنید.

نیز می فرماید: «من لم يتعلم فی الصغر لم يتقدم فی الکبر» (خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۴۰۱)؛ کسی که در کودکی به آموختن علم نپردازد در بزرگ سالی نمی تواند بر دیگران سبقت بگیرد.

روشن است علمی که باعث سیادت و آقایی شود، تنها کتابت نیست، بلکه علم روز و آموزش‌هایی است که انسان در جامعه با آن سر و کار دارد؛ بنابراین، بخشی از آموزش در سیره‌ی معصومان (ع) آموزش مکتبی است که تقریباً می‌توان آن را معادل آموزش ابتدائی دانست.

#### ۴. آموزش قرآن

بخش دیگری از محتوای آموزشی کودکان در سیره معصومان (ع)، آموزش قرآن است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در مکاتب آموخته می‌شده است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: "هیچ مردی فرزند خود را قرآن نیاموزد مگر این که خداوند پدر و مادر کودک را در روز قیامت تاج پادشاهی عطا کند و دو لباس بهشتی به آنان بپوشاند که هرگز مردم مانند آن را ندیده باشند". (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۵)

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که می‌فرماید: "فرزندانتان را بر سه ویژگی تربیت کنید: محبت پیامبرتان، محبت اهل بیت علیهم السلام و قرآن". (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶)

حضرت علی (ع) در این باره به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «و ان ابتدئتک بتعلیم کتاب الله» (ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۱) تعلیم و تربیت تو را با آموزش کتاب خدا شروع کردم.

اهمیت آموزش قرآن به کودکان و فرزندان، به گونه‌ای است که معصومان (ع) آن را از حقوق فرزند بر والدین شمرده‌اند. کنز العمال روایتی را نقل می‌کند:

«کیف بک یا ابا رافع اذا افترقت؟ قال افلا اتقدم فی ذلک قال: بلی، مالک؟ قال، اربعون الف و هی لله! قال لا، اعط بعضا و امسک بعضا و اصلح الحق الولد ان یعلمه کتاب الله و الرمی و السباحة و ان یورثه طیباً؛

پیامبر (ص) به ابو رافع فرمود: برای روز فقیری (قیامت) چه کرده‌ای؟ ابو رافع عرض کرد: آیا برای آن روز چیزی نفرستم؟ پیامبر (ص) فرمود: چرا، بفرست چقدر مال داری؟

عرض کرد: چهل هزار (درهم یا دینار) و همه را برای خدا می‌دهم. پیامبر (ص) فرمود: نه همه را در راه خدا نده. قسمتی را نگهدار و در راه خیر و صلاح فرزندت خرج کن ابو رافع عرض کرد: آیا برای آن‌ها حقی بر ما هست. چنان‌که برای ما بر آن‌ها؟ پیامبر (ص) فرمود: بله حق فرزند بر پدر این است که به او کتاب خدا، تیراندازی و شنا بیاموزد و مالی را برای او به ارث بگذارد. (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۴)

امام حسین (ع) فرزند خویش را برای آموزش قرآن به مکتب فرستاد. استاد، سوره حمد را به فرزند یاد داد و وقتی وی سوره را برای پدر خواند، امام هزار دینار و هزار حله به استاد داد و دهان او را پر از دُر کرد. (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۴۷)

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: خدواند به پدر و مادر پاداش فراوانی را عنایت می‌کند. آنان با شگفتی سؤال می‌کنند: پروردگارا! این همه تفضل درباره ما در قبال چیست؟ اعمال ما شایسته چنین پاداشی نبوده است. در جواب آنها گفته می‌شود: هذه بتعليم كما ولد كما القرآن و تبصير كما ايه بدین الاسلام. این همه عنایت و نعمت، پاداش شماست که به فرزند خود کتاب خدا، قرآن را آموختید و او را در آیین اسلام بصیر و بینا تربیت کردید. (جمعی از استادان، ۱۳۸۲ ص ۱۸۲)

## ۵. آموزش احکام و احادیث

از دیگر محتوای آموزشی مورد تاکید در سیره معصومان (ع) برای کودکان، آموزش احکام و حدیث و تفسیر و تأویل قرآن است. امام علی (ع) به امام حسن (ع) فرمود: تعلیم و تربیت تو را با آموزش قرآن و تأویل و تفسیر آن و آموزش احکام دین و حلال و حرام آغاز کردم. (ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۱) پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمود: وای بر حال فرزندان آخر الزمان، به خاطر پدران و مادران شان! از پیامبر (ص) سوال شد: از پدران و مادران مشرک آن‌ها؟ حضرت فرمود: خیر از پدران و مادران مومن آن‌ها که هیچ چیز از احکام و واجبات دینی را به آن‌ها نمی‌آموزند و اگر فرزندان چیزی آموختند، مانع آموزش فرزندان می‌شوند و از آن‌ها در دنیا به سرمایه ناچیزی راضی‌اند. من از چنین پدرانی بیزارم و آن‌ها از من روی گردانند. (ابطحی، جامع الاخبار، ص ۱۲۴) امام صادق (ع) فرمود:

«بادروا احداثکم بالحديث قبل ان تسبقکم اليه المرجئة» (طوسی، تهذيب الاحکام، ج ۸، ص ۱۱۱)؛ بر شما پیشی بگیرند و عقاید خود را به آن‌ها القا کنند.

باید دانست که طایفه‌ی مرجئه خصوصیت ندارد، چون آن زمان «مرجئه» رواج داشته و جوانان را از راه به در می‌بردند، امام «مرجئه» را ذکر کردند و گرنه در هر زمان، ممکن است مکتب‌ها و ایسم‌ها و گروه‌هایی باشند که با عقاید خود جوانان را گمراه کنند. آموزش احکام دین و احادیث معصومان (ع) در زمینه‌های اخلاقی و اعتقادی، راهی است برای مسلح کردن فرزندان در برخورد با مکتب‌های انحرافی.

امام سجاد (ع) این گونه آموزش‌ها را از وظایف والدین و از حقوق فرزندان بر والدین می‌داند و خطاب به پدران و مادران می‌فرماید: «و انک مسؤول عما ولیته به من حسن الادب و الدلالة على ربه و المونة له على طاعته فاعمل في امره عمل من يعلم انه مثاب على الاحسان اليه، معاقب على الاساءة اليه، (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۴۵) تو ای پدر و مادر، درباره‌ی تربیت فرزند خویش و هدایت او به سوی پروردگار و کمک به او در اطاعت پروردگار، مسؤول هستی. پس به این وظیفه مانند کسی عمل کن که می‌داند اگر به فرزندش نیکی کند، ثواب آن را می‌بیند و اگر بدی کند، عذاب خواهد شد.

نکته مهم در این بخش از آموزش این است که آموزش احکام و عقاید، باید پیش از آن که فکر و ذهن نوجوان و جوان مشغول امور زندگی یا افکار اعتقادی دیگر شود، صورت پذیرد، زیرا ذهن خالی جوانان، بهتر و راحت‌تر پذیرای حق خواهد بود و مانند حوض تمیزی است که تازه ساخته شده است و با آب تمیز پر می‌شود اما اگر مقداری از این حوض تمیز را با آب کثیف پر کنند، دیگر هر چه آب تمیز در آن بریزیم، آلوده خواهد بود ذهن نوجوانان را اگر با احکام و عقاید پر کردیم دیگر عقاید باطل به آن راهی نخواهد داشت و اگر این ذهن با عقاید باطل برخورد کرد و از آن پر شد دیگر هر چه عقاید حق به او بدهیم، با عقاید باطل قبلی آلوده خواهد شد و همواره به عقاید حق خرده خواهد گرفت.

## ۶. آموزش حکمت

از دیگر محتوای آموزشی کودکان در سیره‌ی معصومان (ع) آموزش معارف حکمت آمیزی است که با دقت و توجه به آن‌ها زندگی شکل دیگری می‌گیرد و بسیاری از مشکلات برای انسان پیش نخواهد آمد، یا اگر پیش آید، انسان می‌تواند از پس آن‌ها برآید. پندها و حکمت‌هایی که پدران در پی تجربه به آن رسیده یا از دیگران و بزرگان دین یاد گرفته‌اند، گرچه ممکن است در سنین کودکی و جوانی برای فرزندان چندان اهمیتی نداشته و به آن توجه نکنند، ولی در آینده فرزندان بسیار موثر خواهد بود، زیرا دیر یا زود شر و شور جوانی فرو خواهد نشست و فرزندان خود را محتاج آن پندهای حکیمانه و سفارش‌های والدین و بزرگان خواهند یافت. چه بسیارند افرادی که معترف‌اند به این که تنها عمل به یک یا چند پند و توصیه حکیمانه پدر و مادر یا یکی از بزرگان او را در زندگی به موفقیت رساند، یا برعکس، عمل نکردن به جمله حکیمانه پدر و مادر و یا دیگران، زندگی او را ویران کرده است. فرزندان دیر یا زود به امر پی خواهند برد و پندهای پدران تأثیر خود را خواهد گذاشت.

معصومان (ع) در سیره‌ی تربیتی خود به این نکته توجه داشته‌اند و همواره دستورهای زندگی را بر اساس تعلیم اسلامی و در قالب پندها و نصیحت‌ها و جملات حکیمانه به فرزندان می‌آموختند. این همان شیوه‌ای است که قرآن کریم از زبان لقمان به فرزندش سفارش‌هایی را بیان می‌کند. چنین پندهایی گاهی در مسائل علمی است، گاه در مسائل اخلاقی و زمانی در مسائل اجتماعی و مسائل دیگر که برای نمونه برخی را ذکر می‌کنیم. قبل از آن، معنی حکمت را بیان می‌کنیم:

حکمت در لغت، آهنی است که در دهان اسب قرار می‌دهند تا اسب را از مخالفت با سوارکار مانع شود. از آن‌جا که این لجام از آهنی محکم است، به علمی که از اتقان برخوردار و خدشه ناپذیر باشد و انسان را از فعل قبیح بازدارد، حکمت گفته می‌شود. حکمت به معنای فهم آیه نیز آمده است. (طریحی، مجمع البحرین، ماده حکم)

معصومان (ع) در زندگی خود چنین علومی را به فرزندان می‌آموختند. البته چنین نبود که کلاسی را تشکیل و این علوم را آموزش دهند، بلکه به مناسبت‌های مختلف چنین علوم و



نکات پندآمیز را به فرزندان یاد می‌دادند، نکاتی که هر کس به آن‌ها عمل کند، به سعادت خواهد رسید، چنان که لقمان حکیم به فرزند خود فرمود: «فرزندم، هفت هزار حکمت به تو یاد دادم. تو به چهار تا عمل کن تا با من به بهشت وارد شوی: کشتی خود را محکم بساز، زیرا دریایی که به آن قدم خواهی نهاد، عمیق است. از بار خود بکاه، زیرا گردنه صعب العبور است. توشه را زیاد بردار، زیرا مسافرت دور است و عمل را برای خدا خالص گردان که خدا حساب‌رسی بینا و دقیق است». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۳۱)

اینک به نمونه‌هایی از سیره معصومان (ع) در حکمت آموزی به فرزندان خویش اشاره می‌کنیم:

امام صادق (ع) می‌گوید: پدرم مرا به سه چیز تربیت کرد و از سه چیز باز داشت؛ اما سه چیزی که مرا به آن تربیت کرد، این بود که فرمود: فرزندم، هر کس یار بد گیرد، سالم نماند، هر کس گفتارش را مهار نکند، پشیمان گردد. هر کس به جاهای بد برود، متهم شود... و مرا از دوستی با کسی که حسادت ورزد و کسی که صاحب مصیبت را سرزنش کند و نیز سخن چین نهی کرد. (ابن شعبه، تحف العقول، ص ۳۹۷)

نیز حضرت می‌فرماید: امام باقر (ع) ما را جمع کرد و فرمود: «فرزندان عزیزم، از تعرض به حقوق دیگران پرهیزید و بر ناملایمان زندگی صبر کنید و اگر کسانی شما را به کاری که ضررش بیش از نفعش بود، دعوت کردند، دعوت آن‌ها را پاسخ ندهید.» (نوری، مستدرک الوسائل ج ۱۲، ص ۳۶۳)

امام علی (ع) همواره چنین توصیه‌هایی را به فرزندان می‌کرد. حضرت در وصیت خویش به امام حسن (ع) می‌فرماید: «یا بنی، لا فقر اشد من الجهل و لا عدم اعدم من عدم العقل و لا وحشة اوحشن من العجب و لا حسب كحسن الخلق و لا ورع كالکف عن محارم الله و لا عبادة كالتفكر فی صنعة الله» (اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۱)؛ فرزندم هیچ فقری بدتر از جهل نیست و هیچ عدمی بدتر از عدم عقل نیست و هیچ چیز وحشتناک‌تر از عجب و خود پسندی نیست و هیچ خویشاوندی بهتر از اخلاق نیکو نیست و هیچ ورعی بهتر از پرهیز از محرمات خدا نیست و هیچ عبادتی مانند تفکر در خلقت نیست.

یکی از اصحاب امام صادق (ع) می‌گوید: خدمت امام رسیدم. فرزندش امام کاظم (ع) نیز حاضر بود. امام وصیت کردند و فرمود: «یا بنی احفظ وصیتی و احفظ مقالتی فانک ان حفظتها تعش سعیدا و تمت حمیدا، یا بنی انه من قنع بما قسم له استغنی و من مدّ عینه الی ما فی ید غیره مات فقیرا» (همان، ص ۳۷۰)؛ فرزندم، به وصیت و گفته من عمل کن، زیرا اگر چنین کردی، زندگی سعادت‌مند و مرگ پسندیده‌ای خواهی داشت: هر کس به آنچه خدا روزی او کرده، راضی باشد، بی‌نیاز است و هر کس به آنچه در دست دیگران است چشم بدوزد، فقیر خواهد شد.

امام علی (ع) نیز خطاب به امام حسن (ع) می‌فرماید: «استدل علی ما لم یکن بما قد کان فان الامور اشباه» (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۳۱)؛ فرزندم، برای آنچه واقع نشده، به آنچه واقع شده است، استدلال کن، زیرا امور دنیا شبیه هم است.

ابی السرد می‌گوید: امام علی (ع) از امام حسن از عقل، جزم، مجد و ... پرسید امام حسن پاسخ داد. سپس از امام حسین (ع) از فقر، غنی، لثوم و ... پرسید او نیز پاسخ داد. سپس رو به حارث اعور کرد و فرمود: «یا حارث علّموا هذه الحکم اولادکم فانه زیاده فی العقل و الحزم و الرأی» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲ ص ۱۹۴)؛ حارث، این حکمت‌ها را به فرزندان خود بیاموز، زیرا موجب افزایش عقل، بالا رفتن قدرت تصمیم‌گیری و نظر دهی می‌شود.

معصومان (ع) هم به فرزندان خود، پندهای حکیمانه می‌آموختند و هم به اصحاب خویش سفارش می‌کردند که چنین کنند؛ اما نکته‌ای که در این‌جا لازم است به آن توجه شود، این است که چنین پندها و حکمت‌هایی برای سنین پایین چندان مناسب نیست، بلکه بیش‌تر مربوط به دوران جوانی و اواخر نوجوانی و حتی برخی از آن‌ها مربوط به دوران بزرگ سالی است، زیرا در دوران کودکی چنین پندهایی قابل درک و فهم نیست، از این رو خطبه ۳۱ نهج البلاغه - که حاوی چنین پندهایی به امام حسن (ع) است - در بازگشت از صفین در نامه‌ای به امام حسن (ع) نوشته شد که در آن زمان در بزرگ سالی بود.

لازم نیست چنین پندها و حکمت‌هایی همیشه از بزرگان باشد، بلکه تجربیاتی که والدین در طول زندگی کسب کرده‌اند، لازم است به فرزندان آموزش داده شود تا آن‌ها در زندگی، مالک سرمایه عظیم تجربیات والدین باشند. امام علی (ع) می‌فرماید: «فرزندم من گرچه با گذشتگان زندگی نکرده‌ام، ولی چنان به کارهای آن‌ها نگریسته و در اخبارشان اندیشیده و در آثارشان سیر کرده‌ام که گویی یکی از آن‌ها بوده‌ام، بلکه چنان بر امورشان آگاهی یافته‌ام که گویی با همه آن‌ها زندگی کرده‌ام و کارهای پاک آن‌ها را از کارهای آلوده بازشناخته‌ام و سود را از زیان دریافته‌ام. برای تو زده و زیبای هر کاری را برگزیده‌ام و کارهای ناشایست را کنار گذاشته‌ام و چنان‌که می‌بینی مانند پدری مهربان و دلسوز در کار تو همت گماشته‌ام.» (ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۱)

#### ۷. آموزش آداب

بخش دیگری از محتوای آموزشی کودکان در سیره‌ی معصومان (ع) آداب است. آموزش آداب در سیره آنان به صورت کلاس درس و مکتب نبود، بلکه هرگاه کودک به سنی می‌رسید که نیاز به دانستن آداب داشت، معصومان (ع) معمولاً به هنگام رویارویی با عمل، آداب را به کودکان و فرزندان یاد می‌دادند. ابو هریره نقل می‌کند: روزی پیامبر (ص) مردی را با نوجوانی دید. به نوجوان فرمود: این مرد کیست؟ عرض کرد: پدر من است. پیامبر (ص) فرمود: «فلا تمش امامه و لا تسب له لا تجلس قبله و لا تدعه باسمه»؛ هرگز قبل از او حرکت نکن و کاری که سبب شود دیگران او را ناسزا گویند، نکن و هرگز قبل از او منشین و او را به اسم صدا نکن. (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۷۴)

امام علی (ع) نیز برای آموزش آداب غذا خوردن خطاب به فرزندش حسن (ع) فرمود: آیا تو را از چهار خصلت که از پزشک بی‌نیازت کند آگاه نسازم؟ حسن عرض کرد: بله، فرمود: تا گرسنه نشدی، بر سر سفره منشین و قبل از سیر شدن، دست از غذا بکش و غذا را خوب بجو و ادرار را حبس نکن. (ورام، تنبیه الخواطر، ص ۷۳)

عمر بن ابی سلمه (فرزند ام‌السلمه) می‌گوید: «كنت غلاما في حجر رسول الله (ص) و كانت يدي تطيش في الصحه فقال رسول الله (ص) يا غلام سم الله و كل بميميك و كل مما

یلیک» (بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۶۶۳)؛ در کودکی در خانه پیامبر زندگی می کردم و بر سر سفره، دستم را به هر طرف دراز می کردم و غذا بر می داشتم، پیامبر فرمود: بسم الله بگو، با دست راست و از جلو خود غذا بخور.

امام رضا (ع) از پدران خود از امام حسین (ع) نقل می کند: «کان امیر المومنین یأمرنا اذا تخللنا ان لا نشرب الماء حتی تتمضمض ثلاثا» (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۵۷)؛ امیر مومنان (ع) به ما دستور می داد هرگاه مسواک زدیم، آب ننوشیم مگر این که سه بار مضمضه کنیم.

یکی از خادمان پیامبر (ص) می گوید: «كنت خادما للنبي فكنت ادخل بغیر استئذان، فجننت يوما فقال: كما انت يا بني قد حلق بعد امر، لا تدخلن الا باذن» (بخاری، الادب المفرد، ص ۸۰۷)؛ مدتی به پیامبر (ص) خدمت می کردم و بدون اجازه خدمت حضرت می رسیدم. یکی روز که وارد شدم، پیامبر (ص) فرمود: فرزندم، تو دیگر بزرگ شده ای، از این پس بدون اجازه وارد مشو.

بنابراین آموزش آداب بخش مهمی از آموزش در سیره ی معصومان (ع) است. نکته ای که در بخش آموزش آداب در سیره مهم است، این است که معصومان معمولاً آداب را به هنگام رویارویی فرد با عمل به او یاد می دادند. این گونه آموزش، موجب یادگیری بهتر و بقای یاد گیری می شود. این نکته در سیره هایی که بیان کردیم، مشهود است به ویژه سیره پیامبر (ص) با عمر بن ابی سلمه که عرض کرد این عمل را تا آخر عمر فراموش نکردم. آموزش آداب در سیره ی معصومان (ع) اختصاصی به کودکان ندارد، بلکه معصومان (ع) به بزرگان نیز آموزش می دادند و یاد آور می شدند. برای نمونه سیره ای از امام حسین (ع) را بیان می کنیم. صاحب مستدرک الوسائل نقل می کند: شخصی خدمت امام حسین (ع) رسید و عرض کرد: حالت چطور است؟ خدا تو را سلامت بدارد. امام فرمود: اول سلام کن، سپس حرف بزن. خدا تو را نیز سلامت بدارد. و سپس فرمود: به هیچ کس اجازه ورود و یا حرف زدن ندهید مگر این که سلام کند. (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۵۸)

## ۸. آموزش نماز

از جمله فرمایشات معصومان در راه تربیت عبادی موظف کردن والدین به آموزش اعمال عبادی از جمله نماز به فرزندان است چنانکه مالک بن حویرث می گوید:

ما که چند جوان همسال بودیم نزد پیامبر (ص) رفتیم و بیست شب نزد پیامبر (ص) ماندیم، پیامبر (ص) مهربان و نرم خود بود، هنگامی که دانست ما میل به خانواده مان داریم، از خانواده مان پرسید و ما جواب دادیم. آن گاه فرمود: به سوی خانواده خود برگردید و در خانواده هایتان نماز بر پا دارید و به آنان بیاموزید و آنان را (به نماز) امر کنید. (بخاری، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۳۲)

### ۱-۸. سن شروع آموزش نماز

با توجه به روایات معصومان (ع) سن شروع آموزش نماز به کودکان هفت سالگی است، امام صادق (ع) به یکی از یاران خود می فرماید: «قال: إنا نأمر صبياننا بالصلاة إذا كانوا بنی خمس سنين؛ فمروا صبيانكم بالصلاة إذا كانوا بنی سبع سنين؛ ما بچه هایمان را از پنج سالگی به نماز امر می کنیم، شما فرزندانمان را از هفت سالگی امر به نماز کنید». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۹)

### ۲-۸. سهل گرفتن در آموزش نماز به کودک

در احادیث متعددی وارد شده که ائمه (ع) به کودکان دستور می دادند نماز ظهر و عصر را باهم و نماز مغرب و عشا را نیز باهم بخوانند و رعایت بسیاری از آداب و مستحبات نماز را از آنان نمی خواستند، فضیل بن یسار می گوید: علی بن حسین به کودکان دستور می داد نماز مغرب و عشا را باهم بخوانند و می فرمود: این بهتر از آن است که بخوانند و نماز عشاى آنان قضا شود. (کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۰۹)

همچنین امام سجاد (ع) کودکانی را که نزد ایشان بودند را واهی داشت تا نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را در یک وقت بخوانند، به ایشان اعتراض شد و ایشان فرمودند: این کار برای آنان سبک تر است و بهتر به انجام آن می شتابند و (موجب می شود) نماز را ضایع

نکنند و نخوابند (تا نماز آنان قضا شود) و به کار دیگری مشغول نشوند. (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۰)

### ۳-۸. داستان و قصه گوئی

یکی از روش‌های مفید در آموزش معارف دینی، استفاده از داستان و مثال است. علاقه زیادی که کودکان به داستان دارند، موجب می‌شود تا بتوان بخش عمده معارف دینی، به ویژه احکام، اعمال و شرایط عبادی را از این رهگذر در اختیار آنان قرار داد.

یکی از وسایل آموزشی که قرآن نیز به کار گرفته است، داستان و بیان سرگذشت گذشتگان است. قرآن کریم بسیاری از مباحث اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی را در قالب داستان مطرح کرده است. در تربیت عبادی نیز برای مأنوس کردن کودکان و نوجوانان به مفاهیم و تکالیف عبادی، بهتر است از داستان‌ها و قصه‌هایی که در مورد عبادات و اهمیت آن است، استفاده کرد. تأثیر این نوع آموزش افزون بر سادگی آن و انتقال سریع‌تر محتوا، فهم مسائل انتزاعی را برای دانش‌آموزان آسان‌تر می‌سازد.

### ۹. آموزش روزه

معصومان (ع) قبل از ماه رمضان، توصیه‌های لازم را به فرزندانشان می‌کردند و آنها را برای ورود به ماه مبارک رمضان آماده می‌کردند چنانکه امام صادق (ع) هنگام داخل شدن ماه رمضان، فرزندانش را سفارش می‌کرد و می‌فرمود: خودتان را به زحمت بیاندازید و بکوشید، زیرا در این ماه روزیها تقسیم می‌شود، اجلها تعیین می‌شود، زایران خانه خدا که به سوی او حرکت می‌کنند تعیین می‌شوند و در این ماه شبی است که عمل در آن شب، از عمل هزار ماه برتر است. (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۷)

### ۱-۹. سن آموزش روزه

از منظر روایات وارده از معصومان (ع) مشخص می‌شود که در آموزش روزه داری کودکان قبل از آنکه آنان به سن تکلیف برسند، آغاز می‌شود، امام صادق (ع) می‌فرمایند: ما کودکانمان را در هفت سالگی به روزه گرفتن به اندازه‌ای که توان آن را دارند تا نصف روز، بیشتر یا کمتر دستور می‌دهیم، هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آنها غلبه کرد افطار می‌کنند تا

به روزه عادت کنند و توان روزه داری بیابند، شما کودکان را در نه سالگی به روزه گرفتن، به هر اندازه که می توانند، امر کنید، هر گاه تشنگی بر آنها غلبه کرد افطار کنند. (طباطبایی، سنن النبی، ص ۱۵۷)

## ۲-۹. روش آموزش روزه به کودک

در سیره معصومان (ع) چنانکه دیدیم آموزش روزه قبل از سن بلوغ می باشد تا کودک به تدریج به این عمل عادت کند و زمانی که به سن تکلیف رسید به راحتی بتواند این عمل را انجام دهد و با توجه به روایات پیشین در می یابیم که دو اصل تدریج و تسهیل را در آموزش روزه به کودکان باید مورد توجه قرار دهیم و از سویی عبارت (حتی یتعدوه و یطیقوه) به این معنا است که توانایی روزه داری تنها وابسته به رشد جسمانی نیست، بلکه علاوه بر آن، وابسته به عادت نیز هست؛ چه بسا افراد بزرگسالی که به لحاظ جسمانی قوی اند، اما توانایی روزه داری ندارند؛ زیرا به انجام آن عادت نکرده اند.

## ۳-۹. بیان فواید و فضیلت روزه و ماه رمضان

آگاهی از هر چیزی، به ویژه اعمال عبادی، زمینه ساز علاقه مندی به انجام دادن آن عمل می شود. معصومان (ع) برای ایجاد آمادگی در مسلمانان، قبل از فرا رسیدن ماه رمضان، به بیان اهمیت این ماه و فواید روزه داری می پرداختند با توصیه های لازم، مردم را برای انجام این عمل عبادی آماده می کردند. در روایتی امام باقر (ع) می فرماید: «پیامبر اکرم (ص) سه روز مانده به ماه مبارک رمضان به بلال فرمود مردم را جمع کن، وقتی مردم جمع شدند، حضرت بالای منبر فرمود:

ای مردم! این ماهی است که خداوند آن را به شما اختصاص داده است و سرور همه ماه ها است؛ شبی در آنکه از هزار ماه بهتر است؛ در این ماه درهای آتش بسته و درهای بهشت باز است؛ کسی که این ماه را درک کند و آمرزیده نشود، از رحمت خدا دور باد. (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۷)

در روایتی مسمعی نقل می کند: امام صادق (ع) قبل از حلول ماه مبارک رمضان، درباره این ماه و فضائل آن و اهمیت دادن به ماه رمضان با فرزندان خود چنین وصیت و گفت و گو

می‌کرد: پس با نفس خویش بستیزید؛ زیرا در این ماه رزق و روزی تقسیم می‌شود، اجل و لحظات مرگ هر کس معین می‌شود؛ همچنین در این ماه، میهمانان خدا (زائران خانه) را که بر او وارد می‌شوند، می‌نویسند و در این ماه شبی هست که عمل در آن شب، از عمل هزار ماه برتر است.

برای ایجاد آمادگی در کودکان، همچنین می‌توان با زبانی ساده و کودکانه به بیان فضیلت و ارزش روزه و جایگاه روزه‌دار در نزد خداوند و نیز فواید و ثوابی که برای آن مترتب است، پرداخت.

باهنر در این زمینه پیشنهاد می‌کند:

معلم نیز باید از سال‌های نخست دبستان به طور ساده درباره ماه رمضان و روزه مطالبی برای کودکان بیان کند. در سال‌های بعد، این آموزش با گستردگی بیشتری انجام می‌شود و لازم است معلم در تدریس آن علاوه بر معرفی روزه به عنوان یکی از عبادت‌های بزرگ اسلامی، مختصری از فواید و برخی از آداب آن را به گونه‌ای ساده و جذاب برای دانش‌آموزان بیان کند. (باهنر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۶۸)

#### ۴-۹. بیدار کردن کودک در سحر و گرفتن روزه به اندازه توان

برای عادت دادن کودک به روزه‌داری، بهتر است قبل از رسیدن کودک به مرحله تکلیف، به تدریج با روزه آشنا و زمینه انجام آن را برای زمان تکلیف مهیا شود. برای این کار، سفارش به زود خوابیدن، بیدار کردن کودکان برای خوردن سحری و تشویق آنان به گرفتن روزه تا هر زمانی که طاقت آن را دارند و همچنین اهدای جوایز در پایان ماه رمضان، از جمله راه‌کارهایی است که می‌توان برای ایجاد آمادگی در کودکان انجام داد. در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید: «ما کودکان خود را در سحرگاهان بیدار می‌کنیم تا روزه بگیرند؛ اما در طول روز هر وقت که گرسنگی و تشنگی بر آنان غلبه کرد (و خواستند) می‌توانند افطار نمایند».

(نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۹۵)

امینی می‌نویسد: خوب است کودکانی را که به سن تمیز رسیده‌اند، برای مراسم سحری بیدار ساخت تا به جای صبحانه سحری بخورند و با این مراسم انس بگیرند. وقتی بچه

توانایی روزه گرفتن پیدا کرد، لازم است او را تشویق کنند که گاه‌گاه روزه بگیرند و اگر احیاناً بی‌تاب شد، می‌توانند در وسط روز به او آب یا غذای مختصری بدهند. به تدریج تعداد روزه‌هایش را زیاد کنند. البته به مقدار توانایی نه زیادت. در آخر ماه رمضان هم می‌توانند به عنوان عیدی و جایزه چیزی به او بدهند. در طول روز هم باید از او مراقبت کنند، مبادا مخفیانه روزه‌اش را افطار نماید. (امینی، تربیت، ص ۲۵۳)

از آنجایی که از جمله فواید روزه و روزه‌داری تقویت اراده است، کودک نیز با تمرین به تدریج می‌تواند توانایی کافی برای گرفتن روزه کامل را به دست آورد. برای مثال، کودک را تشویق کنیم تا برخی از روزها را تا ظهر و برخی از روزها را از ظهر تا اذان مغرب، چیزی نخورد تا به تدریج به گرسنگی و تشنگی عادت کند. هر چه توانایی کودک در تحمل گرسنگی و تشنگی بیشتر می‌شود، وی می‌تواند مدت بیشتری را روزه بگیرد؛ تا اینکه پس از مدتی با تقویت اراده، می‌تواند بدان عادت کند و روزه را کامل بگیرد.

ایجاد عادت، فرآیندی طولانی است؛ از این‌رو، امام شروع این آموزش را نه سالگی معین کرده است که شش سال تا سن بلوغ فاصله دارد. به علاوه، در آموزش روزه باید توانایی جسمانی کودک را در نظر گرفت و متناسب با آن از کودک انتظار روزه‌داری داشت...؛ به تدریج که توانایی کودکان بیشتر می‌شود، مدت بیشتری را روزه می‌گیرند و این فرایند ادامه می‌یابد تا جایی که بعد از چند سال به راحتی می‌توانند تمام روز را روزه بگیرند. (داودی، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت، ص ۱۳۵)

در آموزش روزه به کودکان، سیره معصومان (ع) به این صورت بوده که اهمیت این ماه مبارک را تذکر داده و با توصیه‌های لازم آنان را برای ورود به ماه رمضان آماده می‌کردند و قبل از سن تکلیف و از هفت سالگی روزه‌داری را به کودکان آموزش می‌دادند اما به دیگران سفارش نموده‌اند که آموزش روزه‌داری را به کودکانشان از نه سالگی شروع کنند و روش آنها در آموزش روز داری، تمرین دادن به کودکان بود تا به روزه‌داری عادت کنند و توانایی لازم را هنگام مکلف شدن به دست آورند، البته توانایی کودکان را در نظر گرفته و بیش از توانایی آنان، از آنها انتظار نداشتند.

## نتیجه

تحلیل مؤلفه‌های محتوایی آموزش دینی کودکان بر اساس احادیث معصومان (ع) نشان می‌دهد که آموزش دینی باید از سنین شش یا هفت سالگی آغاز شود؛ دورانی که امام علی (ع) قلب کودک را همچون زمینی خالی و آماده برای پذیرش هر بذری توصیف می‌کند. این آموزش‌ها در صورت ارائه صحیح، ماندگاری و تأثیری عمیق خواهند داشت، چنان‌که نقش بر سنگ ماندگار خواهد ماند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که محتوای آموزش دینی کودکان در احادیث معصومان (ع) شامل هشت مؤلفه اصلی است: آموزش توحید و خداشناسی که باید با مفروض گرفتن اصل وجود خدا و استفاده از دلایل روشن و قابل فهم همراه باشد؛ آموزش محبت اهل بیت (ع) که زمینه‌ساز عشق به خداوند و تقرب به اوست و می‌تواند فرزندان را در برابر گناه و فساد بیمه کند؛ آموزش خواندن و نوشتن به عنوان مهارت‌های پایه و کلید ورود به سایر علوم؛ آموزش قرآن که از حقوق فرزند بر والدین شمرده شده و پاداش‌های عظیمی برای خانواده‌ها به دنبال دارد؛ آموزش احکام و احادیث که باید پیش از آن‌که ذهن نوجوان با عقاید باطل آلوده شود، صورت پذیرد؛ آموزش حکمت و پندهای زندگی‌ساز که موجب افزایش عقل و قدرت تصمیم‌گیری می‌شود؛ آموزش آداب معاشرت و زندگی که غالباً به هنگام رویارویی با عمل و به صورت عملی آموزش داده می‌شود؛ و آموزش نماز و روزه که با رعایت اصل تدریج و سهولت و متناسب با توانایی کودک از سنین هفت و نه سالگی آغاز می‌گردد. از مهم‌ترین اصول استفاد از سیره معصومان (ع) در این زمینه، رعایت اصل تدریج و تسهیل در آموزش، توجه به تفاوت‌های فردی و استعدادهای کودکان، بهره‌گیری از روش‌های جذاب مانند قصه‌گویی و هنر و آموزش عملی و موقعیت‌محور آداب و عبادات است. این اصول نشان می‌دهد که تربیت دینی موفق، نیازمند رویکردی حکیمانه، مهربانانه و متناسب با مراحل رشد کودک است. از این رو والدین و مربیان باید با آگاهی از این مؤلفه‌ها و اصول، زمینه‌سازی لازم برای رشد معنوی و دینی فرزندان را فراهم آورند تا آنان بتوانند در آینده‌ای نزدیک، «بزرگان قومی دیگر» شده و به سعادت دنیا و آخرت نائل آیند.

## فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۶ ق.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ هـ ق.
۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.
۴. امینی، ابراهیم، تربیت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۵. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۳ ش.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، الأدب المفرد، دمشق: دارالقلم، ۱۴۲۲ ق.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
۸. حرّ عاملی، محمد الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ ق.
۹. خوانساری، محمد بن حسین جمال، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. داغ، محمد، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ترجمه علی اصغر کوشافر، تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ ۲۳، ۱۴۰۳ ش.
۱۲. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: انتشارات منشهور، چ یازدهم، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، سنن النبی، ترجمه حسین استاد ولی، تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۰ ش.





۱۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، به کوشش محمد حسین اعلمی، ششم، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۲ق.
۱۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، مصحح: محمود عادل، تهران: نشر فرهنگ اسلامی چ سوم ۱۳۷۸ ش.
۱۶. طوسی (شیخ)، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۷. عاملی، جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، بیروت: دارالسير، ۱۴۱۴ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۱۹. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۱. محدثی، جواد، عشق برتر: راههای ایجاد محبت اهل بیت علیه السلام در کودکان و نوجوانان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۹ ش.
۲۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، امالی، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۳ق.
۲۳. موحد ابطحی، سید محمد باقر، جامع الاخبار والآثار، دوم، قم: مؤسسة الامام المهدي (عج)، ۱۴۱۴ق.
۲۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۵. ورام، مسعود بن عیسی، تنبيه الخواطر ونزهة النوادر، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸ ش.